

ألفیه سیوطی
در مصطلح حدیث
«نظمُ الدُّرِّرِ فی عِلْمِ النَّثْرِ»

نظم
حافظ جلال الدین سیوطی
(متوفی ۹۱۱ هـ)

شروح
سید مسلم تفتدار

مدرسه امیریہ
جزیرہ قشتم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ٤٤- وَأَوَّلُ الْجَامِعِ بِاِفْتِصَارٍ عَلَى الصَّحِيحِ فَقَطِ الْبُخَارِيِّ
- ٤٥- وَمُسْلِمٌ مِنْ بَعْدِهِ، وَالْأَوَّلُ عَلَى الصَّوَابِ فِي الصَّحِيحِ أَفْضَلُ
- ٤٦- وَمَنْ يُفَضَّلُ مُسْلِمًا فَإِنَّمَا تَرْتِيبُهُ وَصُنْعُهُ قَدْ أَحْكَمَا
- ٤٧- وَانْتَقَدُوا عَلَيْهِمَا يَسِيرًا فَكَمْ تَرَى نَحْوَهُمَا نَصِيرًا
- ٤٨- وَلَيْسَ فِي الْكُتُبِ أَصَحُّ مِنْهُمَا بَعْدَ الْقُرْآنِ وَلِهَذَا قُدِّمَا
- ٤٩- مَرْوِيُّ ذَيْنِ، فَالْبُخَارِيُّ، فَمَا لِمُسْلِمٍ، فَمَا حَوَى شَرْطَهُمَا
- ٥٠- فَشَرَطَ أَوَّلِ، فَثَانِ، ثُمَّ مَا كَانَ عَلَى شَرْطِ فَتَى غَيْرِهِمَا
- ٥١- وَرَبَّمَا يَعْرِضُ لِلْمَفْقُوقِ مَا بِجَعَلِهِ مُسَاوِيًا أَوْ قُدِّمَا
- ٥٢- وَشَرَطَ ذَيْنِ كَوْنُ ذَا الْإِسْنَادِ لَدَيْهِمَا بِالْجَمْعِ وَالْإِفْرَادِ
- ٥٣- وَعِدَّةُ الْأَوَّلِ بِالتَّخْرِيرِ أَلْفَانِ وَالرُّبْعُ بِلا تَكْرِيرِ
- ٥٤- وَمُسْلِمٌ أَرْبَعَةَ الْأَلْفِ وَفِيهِمَا التَّكْرَارُ جَمًّا وَافٍ
- ٥٥- مِنَ الصَّحِيحِ قَوَّتَا كَثِيرًا وَقَالَ نَجَلُ أَخْرَمَ: يَسِيرًا
- ٥٦- مُرَادُهُ أَعْلَى الصَّحِيحِ فَاحْمِلِ أَخْذًا مِنَ الْحَاكِمِ أَيْ فِي الْمَدْخَلِ
- ٥٧- التَّوَوِي: لَمْ يَفْتِ الْحُمْسَةَ مِنْ مَا صَحَّ إِلَّا النَّزْرُ فاقْبَلْهُ وَدِنْ

۴۴ - وَأَوَّلُ الْجَامِعِ بِإِقْتِصَارٍ عَلَى الصَّحِيحِ فَقَطِ الْبُخَارِيِّ

و اولین جمع‌کننده احادیث، با اکتفا کردن بر احادیث صحیح، امام بخاری است.

شرح:

اولین کسی که احادیث صحیح را جمع‌آوری کرد امام بخاری است. وی درباره سبب تألیف این اثر می‌گوید: روزی نزد اسحاق بن راهویه بودیم که گفت: اگر شما کتاب مختصری از احادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم را جمع‌آوری کنید خوب می‌شود. امام بخاری می‌گوید: این سخن در قلبم جای گرفت و شروع به جمع «الجامع الصحیح» نمودم.

باز هم از وی نقل شده که: شبی رسول الله صلی الله علیه وسلم را به خواب دیدم در حالی که در دستانم بادبزی بود و چیزهایی را از ایشان دور می‌کردم. از معبرین پرسیدم. آنان گفتند: شما «دروغ» را از ایشان دور می‌کنید. و این مرا واداشت که «الجامع الصحیح» را به نگارش در آورم.

امام بخاری شانزده سال برای این کتاب وقت گذاشت و هر حدیثی که می‌خواست در کتابش قرار دهد ابتدا غسل می‌زد و دو رکعت نماز می‌گزارد. فِرَبْرِی از راویان صحیح بخاری می‌گوید: محمد بن حاتم به من گفت: شبی امام بخاری را به خواب دیدم در حالی که وی پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم حرکت می‌کرد. هر قدمی که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر می‌داشت امام بخاری آنجا پا می‌گذاشت. نجم بن فضیل نیز چنین خوابی دیده بود.

تنبیه:

امام مالک «وفات ۱۷۹ هـ» قبل از امام بخاری «وفات ۲۵۶ هـ»، کتاب الموطا را تصنیف کرد و در آن احادیث صحیح قرار داد. تا جایی که امام شافعی

در مورد الموطا گفته است: زیر این آسمان، کتابی صحیح‌تر از کتاب الموطا وجود ندارد.

اما علما اولین جمع‌کنندهٔ احادیث صحیح را کتاب امام بخاری می‌دانند، زیرا: امام بخاری در کتابش فقط احادیث «مسند» قرار داده ولی در کتاب الموطا اقوال خودِ امام مالک نیز زیاد یافته می‌شود.

حافظ عراقی گفته است: زیرا امام مالک در کتاب خود مرسل و منقطع و بلاغات نیز داخل کرده است.

٤٥ - **وَمُسْلِمٌ مِنْ بَعْدِهِ، وَالْأَوَّلُ عَلَى الصَّوَابِ فِي الصَّحِيحِ أَفْضَلُ**

و بعد از امام بخاری، امام مسلم [احادیث صحیح را جمع‌آوری کرد]، و بنابر قول راجح، کتاب اولی [یعنی کتاب بخاری] از لحاظ صحت، بهتر است.

شرح:

امام مسلم بعد از امام بخاری احادیث صحیح را جمع‌آوری کرد زیرا وی به تقلید از استاد خود دست به این کار زد برای اینکه امام بخاری قبل از شاگردش این کار را آغاز کرده بود. به همین جهت است که گفته‌اند: اگر بخاری نبود مسلم نه می‌توانست برود و نه می‌توانست بیاید.

٤٦ - **وَمَنْ يُفْضِلْ مُسْلِمًا فَإِنَّمَا تَرْتِيبُهُ وَصُنْعُهُ قَدْ أَحْكَمَا**

و کسی که صحیح مسلم را ترجیح داده به خاطر ترتیب ابواب و احادیث و صناعت حدیثی است که مستحکم و ماهرانه انجام داده است.

شرح:

بین علما اختلاف نظر وجود دارد که کدامین این دو کتاب صحیح‌تر است؟

قول اول: هر دو یکسانند. ابن ملقن این قول را از برخی از متأخرین نقل کرده و طوفی (ت ۷۱۶هـ) در شرح اربعین آن را حکایت کرده و قرطبی به این قول متمایل شده است.

قول دوم: بخاری از مسلم صحیح‌تر است و این قول جمهور محدثین است، بعضی از دلایل آنان:

أ) در بخاری استنباطات فقهی و نکته‌های حکم قرار دارد که در مسلم نیست.

ب) نظر امام مسلم این است که به شخص معین حکم اتصال داده می‌شود هرگاه که با همدیگر هم‌عصر بودند امکان ملاقات وجود داشته باشد اما امام بخاری این است که باید ثابت شود که ملاقات صورت گرفته است.

ج) بر احادیث بخاری به نسبت مسلم کم‌تر انتقاد شده است. تعداد و بحث آن‌ها در بیت ۴۷ خواهد آمد.

کسانی مانند امام ابو علی نیشابوری و برخی از شیوخ مغاربه صحیح مسلم را بر صحیح بخاری ترجیح داده‌اند.

شیوخ مغاربه نام آن‌ها برده نشده که چه کسانی هستند ولی در فهرست ابو محمد قاسم تجیبی (ت ۷۳۰هـ) نام یکی از آن‌ها ذکر شده که او ابو محمد بن حزم است.

دلیل این قول:

أ) در کتاب مسلم بعد از مقدمه آن فقط احادیث صحیح مسند قرار دارد اما در تراجم ابواب بخاری قول تابعین و صحابه و معلقات نیز وجود دارد.

ب) امام بخاری روایت به معنا را جایز می‌داند و همچنین قطعه‌قطعه کردن حدیث بغیر از امام مسلم.

ج) امام مسلم تمام طرق یک حدیث را در یک مکان قرار می‌دهد که دسترسی به آن آسان‌تر می‌شود.

۴۷ - **وَأَتَّقُوا عَلَيْهِمَا يَسِيرًا فَكَمْ تَرَىٰ نَحْوَهُمَا نَصِيرًا**

بر بخاری و مسلم انتقاد اندکی شده است و چه بسیار علمایی می‌بینی که قصد بخاری و مسلم را نصرت داده‌اند (یعنی از قصدی که کردند و آن جمع کردن احادیث صحیح، دفاع کرده‌اند).^۱

شرح:

برخی از علما همانند دارقطنی، ابو علی غسانی جیانی، ابوذر هروی، ابومسعود دمشقی و.. بر بخاری و مسلم انتقاد وارد کرده‌اند.

احادیث انتقاد شده اندک می‌باشد. ابن حجر گفته است: تمام احادیثی که در بخاری و مسلم انتقاد شده ۲۱۰ حدیث است که از میان جمله انتقاد شده‌ها:

۳۲ حدیث انتقاد شده در بخاری و مسلم مشترک است و ۷۸ حدیث فقط در بخاری و ۱۰۰ حدیث فقط در مسلم انتقاد شده است.

خلاصه کلام ابن حجر در مقدمه فتح الباری:

جواب بر انتقاد شده‌ها بطور اجمال این است که بگوییم:

شکی نیست که بخاری و مسلم بر اهل عصر خود در این فن از حیث صحیح و علل حدیث مقدم هستند. علما اختلافی ندارند که علی بن مدینی از اقران خویش به علل حدیث آگاه‌تر است و امام بخاری علل حدیث را از او گرفته تا جایی که گفته است: من در مقابل هیچ کس خودم را کوچک‌تر ندیدم مگر نزد علی بن مدینی. با وجود این هرگاه به علی بن مدینی این خبر می‌رسید می‌گفت: بخاری کسی را همانند خود ندیده است.

محمد بن یحیی ذهلی داناترین اهل عصرش به علل حدیث بود و بخاری و مسلم هر دو از او گرفته‌اند.

^۱ . یعنی: برخی از نقاد بر بعضی از احادیث شیخین اعتراض گرفته‌اند اما بسیاری از حفاظ از شیخین دفاع کرده‌اند زیرا حق به جانب ایشان بوده است.

و فربری از بخاری نقل می‌کند که گفت: من در کتاب جامع خود حدیثی را داخل نکردم مگر بعد از اینکه دو رکعت نماز گزاردم و استخاره کردم و به صحت آن یقین پیدا کردم.

و مکی بن عبدان از امام مسلم روایت می‌کند که گفت: کتابم را به ابوزرعه رازی نشان دادم و هر چه اشاره می‌کرد که علتی دارد آن را رها کردم. سپس ابن حجر به دلایل تفصیلی می‌پردازد که از حوصله این کتاب خارج است.

صاحب صحیح به طریق زائده روایت کند و منتقد طریق ناقص را صحیح بداند و به حدیث صاحب صحیح، حکم مزید در متصل اسانید بدهد. ابن حجر جواب می‌دهد: این علت مردود است زیرا راوی امکان دارد یک بار مستقیم و یک بار با واسطه شنیده باشد.

عکس آن، صاحب صحیح طریق ناقص را روایت کند و منتقد طریق ناقص را صحیح بداند. جواب نیز عکس اولی می‌شود. تعلیل به انقطاع به سبب طرق تحملی که مختلف فیه است مانند: کتابت و اجازه.

جواب: امام بخاری خودش در صحیح اشاره دارد به اینکه تحمل از طریق مکاتبه و اجازه به حکم سماع جایز است.

احادیث معلق که بحث آن خواهد آمد.

تعلیل به ارسال و وقف

تعلیل به تدلیس و عدم سماع

جواب: زیرا از طرق دیگر سماع ثابت است.

٤٨ - وَلَيْسَ فِي الْكُتُبِ أَصْحٌ مِنْهُمَا بَعْدَ الْقُرْآنِ ' وَلِهَذَا قَدَّمَا

١ . همزه در «قُرْآن» نقل شده و این لغتی است و ضرورت نیست.

بعد از قرآن، در میان کتاب‌ها صحیح‌تر از بخاری و مسلم وجود ندارد، به همین خاطر مقدم کرده شده...

۴۹- مَرْوِيُّ دَيْنٍ، فَالْبُخَارِيُّ، فَمَا لِمُسْلِمٍ، فَمَا حَوَى شَرْطُهُمَا

... روایت شده این دو (بخاری و مسلم)، سپس بخاری، سپس آنچه در صحیح مسلم است سپس آنچه شرط این دو را شامل باشد.

۵۰- فَشَرَطَ أَوَّلًا، فَثَانًا، ثُمَّ مَا كَانَ عَلَى شَرْطِ فَتَى غَيْرِهِمَا

سپس بر شرط اولی (یعنی: شرط بخاری)، سپس دومی (یعنی بر شرط مسلم)، سپس آنچه بر شرط یکی از جوانمردانی غیر از این دو نفر (همچون ابن خزیمه، ابن حبان و...) باشد.

شرح:

حدیث صحیح به هفت درجه تقسیم می‌شوند:

- (۱) آنچه بخاری و مسلم بر آن اتفاق داشته باشند.
- (۲) آنچه بخاری به آن منفرد باشد.
- (۳) آنچه مسلم به آن منفرد باشد.
- (۴) آنچه بر شرط بخاری و مسلم باشد ولی بخاری و مسلم آن را تخریح نکرده باشند.
- (۵) آنچه بر شرط بخاری باشد و بخاری آن را تخریح نکرده است.
- (۶) آنچه بر شرط مسلم باشد و مسلم آن را تخریح نکرده باشد.
- (۷) آنچه نزد غیر بخاری و مسلم از امامان دیگر صحیح باشد، مانند: ابن خزیمه و ابن حبان.

۵۱- وَرَبَّمَا يَعْرِضُ لِلْمَفْزُوقِ مَا يَجْعَلُهُ مُسَاوِيًا أَوْ قُدَّمَا^۱

۱. الف در «قُدَّمَا» الف اطلاق است.

۲. الف در «قُدَّمَا» الف اطلاق است.

گاهی بر حدیث رتبهٔ پایین‌تر چیزی ظاهر می‌شود که آن را مساوی یا مقدم بر حدیث درجهٔ بالاتر می‌گرداند.

شرح:

رتبه‌بندی که برای حدیث صحیح در نظر گرفته شد بصورت اجمالی و از دید اول است اما گاهی می‌شود که مثلاً حدیث غریبی در بخاری و مسلم و حدیث مشهوری فقط در مسلم قرار گرفته است در اینجا حدیث مسلم چون مشهور است برتری پیدا می‌کند.

یا مثلاً روایتی در مسلم باشد که اصح اسانید نیست در مقابلش روایتی در ابو داوود باشد که اصح اسانید است در اینجا نیز حدیث ابو داوود تفوق پیدا می‌کند.

۵۲- وَشَرَطُ دَيْنٍ كَوْنُ ذَا الْإِسْنَادِ لَدَيْهِمَا بِالْجَمْعِ وَالْأَفْرَادِ

(مراد از) شرط شیخین، بودن اسناد نزد این دو (یعنی در دو کتابشان) با جمع (یعنی به شرط بخاری و مسلم) یا تنها (به شرط بخاری، یا شرط مسلم) می‌باشد.

شرح:

وقتی گفته می‌شود: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین» این حدیث بر شرط بخاری و مسلم صحیح است یعنی اسناد مذکور در این دو کتاب قرار دارد به تعبیر دیگر: بعد از گذراندن پنج شرط که حدیث صحیح می‌خواهد، رجال حدیثی که این چنین در مورد آن گفته شده تمامی آن‌ها در صحیحین از آن‌ها روایت شده است.

یا «هذا حدیث صحیح علی شرط البخاری» بر بخاری صحیح است یعنی: تمامی رجال آن در بخاری وجود دارد.

یا «هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم» با شرط مسلم صحیح است یعنی: تمامی رجال آن در مسلم وجود دارد.

پس مقصود از شرط بخاری و مسلم یا شرط یکی از این دو، این است که حدیث از طریق رجال دو کتاب یا یکی از این دو روایت شده باشد به همراه مراعات کیفیتی که شیخان در روایت خویش از آنان را لازم خود گردانیدند. مثلاً: «هشیم بن بشیر» از رجال شیخین است وی زمانی ثقة است که اگر از غیر ابن شهاب زهری روایت کند، زهری نیز از رجال شیخین است. بخاری و مسلم «از هشیم از زهری» روایت نمی‌کنند، اما از «هشیم از غیر زهری» روایت می‌کنند و زمانی که از «زهری» روایت می‌کنند نیز از طریق غیر «هشیم» است.

حال اگر در روایت بعضی از کتب حدیث، روایت «هشیم از زهری» دیده شود بر شرط شیخین محسوب نمی‌شود اگر چه هر دو رجال شیخین هستند زیرا کیفیت روایت «هشیم» نزد شیخین مهم است.

۵۳ - وَعِدَّةُ الْأَوَّلِ بِالتَّحْرِيرِ أَلْفَانِ وَالرُّبْعُ بِأَلْتَّكْرِيرِ

تعداد اولی (صحیح بخاری) بر آنچه تحریر شده: دو هزار و ربع دوهزار (یعنی پانصد) حدیث بدون تکرار است.

شرح:

ابن صلاح گفته است: تمامی آنچه در صحیح بخاری وجود دارد ۷۲۷۵ حدیث مکرر و بدون مکرر ۴۰۰۰ حدیث است و امام نووی در التقریب نیز همین را آورده است.

ابن حجر در مقدمه فتح الباری نوشته است: تعداد متون متصل بدون تکرار در بخاری ۲۶۰۲، و متون معلق مرفوع ۱۵۹ که جمعا ۲۷۶۱ می‌شود و تعداد احادیث با مکررات و تعلیقات و متابعات و اختلاف روایات ۹۰۸۲ حدیث است.^۱

^۱ طبق شماره‌گذاری محمد فؤاد عبدالباقی، احادیث بخاری ۷۵۶۳ حدیث می‌باشد.

سپس می‌افزاید: بین آنچه من تحقیق کردم و آنچه ابن الصلاح گفته تفاوت بسیار زیادی است من نمی‌دانم که این اشتباه از کجا رخ داده است و سپس احتمال دادم که آن شخصی^۱ که در ابتدا سرشماری کرده و بقیه از او تبعیت و تقلید کرده‌اند ممکن است که حدیث مطولی را در یک مکان و حدیث مختصری را در مکان دیگری پیدا کرده و فکر کرده که این‌ها دو حدیث هستند یا به علت دور بودن این دو حدیث از همدیگر این اشتباه سر زده است و یا شناخت او به صناعت حدیثی اندک بوده است.

۵۴ - وَمُسْلِمٌ أَرْبَعَةُ الْأَلْفِ وَفِيهِمَا التَّكْرَارُ جَمًّا وَافٍ

و (تعداد احادیث در) صحیح مسلم: ۴۰۰۰ حدیث است^۲ و در آن دو (بخاری و مسلم) احادیث تکراری زیادی وجود دارد.

شرح:

حافظ عراقی در التقیید و الإيضاح از ابو الفضل احمد بن سلمه نقل می‌کند: احادیث مکرر در صحیح مسلم ۱۲۰۰۰ است.

۵۵ - مِنَ الصَّحِيحِ قَوَاتًا كَثِيرًا وَقَالَ نَجْلُ الْأَخْرَمِ: يَسِيرًا

۱ . ابن حجر در جای دیگر می‌گوید: ابن الصلاح و امام نووی از حُمُوه تقلید کرده‌اند زیرا صحیح بخاری از او نوشته شده و او احادیث هر باب را شمارش کرده و جملگی را جمع زده است و تمام کسانی که بعد از حُمُوه آمده‌اند از او تقلید کرده‌اند. فایده: این را ابو الفضل بن طاهر در کتابش «جواب المتنعت» از حمویه روایت کرده است.

نام کامل حمویه: ابو محمد عبدالله بن احمد بن حمویه سرخسی است.

۲ . طبق شماره‌گذاری محمد فؤاد عبدالباقی، احادیث بدون تکراری در صحیح مسلم ۳۰۳۳ حدیث می‌باشد.

۳ . «أخرم» ضرورتاً منصرف شده است.

احادیث صحیح زیادی از بخاری و مسلم فوت شده است و فرزند اخرم گفته: (احادیث صحیح) اندکی (از بخاری و مسلم فوت شده است).

شرح:

ابو عبدالله بن الأخرم^۱ گفته که احادیث اندکی از بخاری و مسلم فوت شده که در کتاب خویش نیاورده‌اند.

اما جمهور علما می‌گویند که احادیث صحیح زیادی از بخاری و مسلم فوت شده است و بر رأی ابو عبدالله بن الأخرم اعتراض وارد کرده‌اند زیرا از بخاری نقل شده که گفت: آنچه از صحیح ترک کردم بسیار است. و گفت: یکصد هزار حدیث صحیح و دویست هزار حدیث غیر صحیح از حفظ دارم. و گفت: در کتاب الجامع فقط احادیث صحیح را وارد کردم و از ترس به درازا کشیدن از بعضی احادیث صحاح چشم‌پوشی کردم.

امام مسلم نیز گفته است: هر چیزی که نزد صحیح بود در کتابم نیاوردم بلکه آنچه بر آن اجماع شده بود را در کتابم آوردم. و گفته است: این مسند صحیح را از سیصد هزار حدیثی که شنیدم نوشتم.

۵۶ - مُرَادُهُ أَعْلَى الصَّحِيحِ فَاحْمِلِ أَخْذًا مِنَ الْحَاكِمِ أَيَّ فِي الْمَدْخَلِ

مقصودش بالاترین (درجه) صحیح است پس (کلامش را چنین) حمل کن در حالی که از حاکم نیشابوری یعنی در المدخل می‌گیری.

شرح:

ناظم رحمه الله کلام ابو عبدالله بن الأخرم را همان تأویلی می‌کند که حاکم نیشابوری در المدخل إلى الإکلیل آن را تأویل کرده است و آن اینکه منظور وی أصح صحیح است که از بخاری و مسلم اندک فوت شده است.

^۱ . محمد بن یعقوب بن الأخرم نیشابوری، پدرش به ابن الکرمانی معروف است. ابن الأخرم شیخ حاکم نیشابوری می‌باشد. سال ۳۴۴ هـ وفات او می‌باشد.

۵۷ - التَّوْرِيُّ: لَمْ يَفْتِ الْخُمْسَةَ مِنْ مَا صَحَّ إِلَّا الْزَّرُّ فَأَقْبَلَهُ وَدِنٌ^۱

امام نووی (در التقریب می‌گوید): از (اصول) خمس^۲ فوت نشده مگر احادیث صحیح اندکی، پس آن را بپذیر و از او اطاعت کن.

شرح:

ناظم رحمه قول امام نووی را تایید می‌کند مبنی بر اینکه تنها احادیث اندکی از اصول خمس فوت شده است.

حافظ عراقی در التبصره والتذکره بر قول امام نووی نیز انتقاد کرده و گفته: در این قول نظر است چون کلام بخاری گذشت که چه مقدار از احادیث را از حفظ داشته است.

و ابن حجر نیز در النکت گفته است: مقصود از امام نووی احادیث احکام است اما غیر احکام کم نیستند.

^۱ . از دَانَ يَدِينُ گرفته شده است.

^۲ . مراد از اصول خمس: بخاری، مسلم، ابوداؤد، نسائی و ترمذی است.